

نگاهی به یک سند شرعی خانوادگی در اصفهان (مربوط به دوره ناصری)

به کوشش: محمود نظری
میثم احمدی کافشانی

مقدمه:

اسناد حاضر در خصوص ربابه خانم نامی است و همسر آقا شیخ محمدعلی و پسر خاله‌اش فرزند آقا محمدخلیل ساکن اصفهان که اموال و دارایی خود اعم از منقول و غیرمنقول را به خاله خود فاطمه سلطان خانم که در ضمن مادر شوهر وی نیز هست، به صلح قطعی منتقل نموده، اما چون ادعا شده ظاهراً این ادعا از طرف عمومی ربابه خانم باشد که ربابه خانم در زمان مصالحه غیر رشیده بوده، به همین رو در محضر یکی از علما مورد امتحان قرار گرفته و رشادت و عقل وی به تأیید و اثبات رسیده و حکم به جهت مصالحه مذکور شده و به جهت احتیاط، مجدداً این خانم وکالت داده که تمام دارایی و اموال وی در قبال یک سیر نبات، در اختیار فاطمه سلطان خانم به صلح قطعی احتیاطی منتقل شود. همچنین خانم مذکور به وقوع عقد زوجیت خود با شیخ محمدعلی اعتراف و انکار به زوجیت پسر آقا محمدجواد پسر عمومی خود نموده است. در بالای این صلح‌نامه و اعتراف‌نامه، سواد تأیید به برخی از جمله میرزای آشتیانی، آقا سید عبدالله بهبهانی، آقا شیخ فضل‌الله نوری و دیگران دیده می‌شود.

از بخشی از مفاد این اسناد به دست می‌آید که عمومی ربابه خانم مذکور، ادعا کرده که این خانم قبلاً در عقد پسرعموی صغیر خود بوده و زوجیت وی با پسرخاله‌اش، آقا محمدعلی، صحیح نیست. اما چنان که ملاحظه می‌شود، با توجه به مستندات و شواهد و انکار زوجیت با پسر عمو از طرف ربابه خانم، علما حکم به باطل بودن ادعای عمومی ایشان داده و زوجیت آقا محمدعلی همسر ربابه خانم را تأیید و تثبیت کرده‌اند.

خوانندگان محترم، ماجرا را به تفصیل ملاحظه فرمایند. در بازخوانی این اسناد، به جای برخی کلمات که ناخوانا بود، سه نقطه گذاشته شد.

مخفی نماند چون مخدره مکرمه، ربابه خانم دامت عصمتها، صبیّه مرحوم مغفور آقا محمد خلیل طالب ثراه نجل زکی مرحمت پناه طوبی مکان علیین آشیان، حاجی آقا محمد قزوینی الاصل، ساکن اصفهان اعلی الله مقامه الشریف در دار السلطنه اصفهان، تمام دارایی خود را از املاک و اموال منقوله و غیر منقوله و نقد و جنس و نقود و غیرها از طلا آلات و مسینه آلات و کتب و اثاث البیت و رخوت و ظروف و کل ما یتعلق بها، بدون استثناء شی منها، به صلح قطعی منتقل نموده بود به خاله خود علیا مخدرها محترمه معظمه، فاطمه سلطان خانم دامت عفتها، صبیبه مرحمت و غفران پناه علیین آرامگاه طوبی مکان، آقا محمد مهدی تاجر قزوینی الاصل، ساکن اصفهان و در این خصوص گفتگوهایی بود که مخدره مصالحه غیر رشیده بود و صلح او صحیح نبوده، لهذا به تاریخ تحریر الورقه مخدره ربابه خانم مزبوره زوجه جناب آقا شیخ محمدعلی سلمه الله در محضر این خادم شریعت مطهره حاضر شده و پس از اختبارات و امتحانات از مراتب رشادت و شعور و عقل و کمال مخدره، اعتراف شرعی نموده در حالتی که جمیع انشاءات و اقرار شرعیه از او نافذ و ممضی بوده بر اینکه صلح قطعی مرقوم به مخدره محترمه خاله مزبوره اش واقع شده و بالفعل تمام دارایی مخدرها ربابه خانم ملک طلق علیا مخدرها فاطمه سلطان خانم معظم مسطورهاست و بعد از اعتراف مسطور رعایه للاحتیاط مخدرها رباب خانم مسطوره مجدداً و کالت داده، تمام دارایی او را به یک سیر نبات مقبوض به شرح مسطور به صلح قطعی احتیاطی منتقل نموده به والده زوج خود مخدرها محترمه فاطمه سلطان خانم مرقومه و صبیغه مصالحه قطعیه شرعیه خالیة عن النواقص و البطلان جامعه للشرائط و الارکان واقع شد و سمت جریان یافت فعلی هذا به هیچ وجه شایبه گفتگو و منازعه در ملکیت مخدرها محترمه فاطمه سلطان خانم معظمه نسبت به دارایی مزبور باقی نماند و تمامی دارایی مرقوم ملک طلق و حق صدق مخدرها فاطمه سلطان خانم مزبوره است و لها التصرف فیها کیف ما شئت و حتی ارادت. حررها فی ۱۴ شهر جمادی الثانیة ۱۳۱۸.

مصالحه کننده: ربابه خانم، دختر آقا محمدخلیل، فرزند حاجی آقا محمد قزوینی و دختر دایی نویسنده نامه آقای آقا محمد ابراهیم قزوینی و همسر آقا شیخ محمدعلی سلطان المحققین بوده است
متصالح علیه: فاطمه سلطان خاله رباب خانم دختر محمد مهدی تاجر قزوینی
توضیح آنکه مخدره رباب خانم مسطورها متن اعتراف به وقوع عقد زوجیت جناب مستطاب آقا شیخ محمدعلی سلمه الله پسر خاله خود فرزند جناب مستطاب فخرالواعظین، آقای حاجی شیخ محمدسلطان المحققین و انکار به زوجیت پسر آقا محمدجواد عموی خود را نموده، مذکور داشت که مهریه او از زوج مزبورش، پسر خاله اش، خارج از مورد مصالحه مرقومه اش است. فی التاريخ ۲۱ جمادی الثانی سنه ۱۳۱۸.

هو

سواد جوابی است که ... ملاذالامام شریعتمدار سرکار آقا محمد ابراهیم قزوین به عمهزاده خود مخدره

نگاهی به یک سند شرعی خانوادگی در اصفهان... / محمود نظری - میثم احمدی کافشانی

عیال سرکار سلطان المحققین مرقوم داشته و تبریک نموده‌اند.

علیا مخدرها مکرمه عمه زاده دامت خدارتھا را سلام می‌رسانیم اولاً انشاءالله تعالی به سلامت و عاقبت بوده باشید و مکروهی و ملالی حاصل و واقع نبوده باشد.

بعدها مراسله شریفه شب گذشته را ملاحظه کردم و از مضمونش استحضار کامل به هم رسانیدم، هم‌هاش صحیح و به جا و به موقع است. خداوند انشاءالله مبارک و میمون فرماید و به جهت مخدرها نور چشمی اخوی زاده که نه بهره از پدر دیده و نه بهره از مادر دیده، خوش مقدر فرموده باشد بر بیچارگی او ترحم و تفضل فرماید. «إنه بعباده رؤف رحیم»

البته معلوم است جناب شما هم نهایت محبت و التفات که مقتضی بزرگی خودتان است در حق او مرعی خواهید داشت کمال محبت را البته در حق او بنمایید. البته معلوم است شما از خود ماها می‌باشید. از شما بهتر به جهت نور چشمی که می‌باشد... در کار نیست. بعضی از مفسدین خیر اندیش در کار افتادند... و کار را مغشوش نموده‌اند. به هر حال در باب مطالب مرقومه، حقیر در فرمایشات آن مخدرها هر چه باشد مسامحه و کوتاهی ندارم. در خصوص مصالحه مرقوم داشته بودید البته باید مطلع بوده باشید که مال مخدرها کلاً طراً به تصرف جناب اخوی می‌باشد، الا خانه که محل سکنی حقیر است که نصف او از مخدرها می‌باشد که عمل او را هر قسم بخواهید تمام می‌نمایم و یک نفر جاریه مسمات به زیبا او را هم بفرستید راضی کنید ببرید حقیر هم از دست او به تنگ آمده‌ام. البته او را بخواهید که خیلی لازم است. علاوه مقام اتحاد است، هر قسم میل شما بوده باشد، حقیر حاضرم. زیاده زحمت نیست. و السلام ختام جواب ورقه را هم باز مرقوم بنمایید. علاوه از مکتوب فوق، بعضی از مرقومات مختلفه است که شریعتمدار آقا محمد ابراهیم به بزرگان از علماء اعلام مدظلمهم علی رؤس الانام، مرقوم داشته‌اند.

در جواب علم الاعلام و باب الاحکام سلطان العلماء العظام شریعتمدار امام جمعه اصفهان مدظله این کلمات را عرض کرده است. (جهت نوشته که به عیال حاجی شیخ محمد نوشتم، به جهت خوف بوده است).

عریضه که به حضور بندگان فخر الشیعه و ذخر الشریعه، حجه السلام و المسلمین سرکار میرزا مدظله الاعلی عرض نموده بودم، از فقرات آن این است (از آنجا بنویسید که از برای مال مأمور غریب خواهد آمد داعی به غیر از آن مضمون توبیخ مشحون چاره‌ای در جواب نداشتم)

در مرسوله خدمت ملاذ الامام و ثقة السلام شریعتمدار سرکار حاج شیخ مرتضی دام افضاله، این فقرات

۱. چند تن از علما مصالحه نامه مزبور را تأیید و بر صحت آن حکم داده‌اند و سواد تأیید به ایشان در بالای سند دیده می‌شود.

نگاهی به یک سند شرعی خانوادگی در اصفهان... / محمود نظری - میثم احمدی کافشانی

مکتوب داشته‌اند. پیام داد مال به من صلح شده. بر سبیل استهزا گفتم عقدی مبارک است و مال هم موجود؛ هرگاه این مطلب حقیقت باشد، نمی دانم چه محمل دارد نسبت به داعی.

سواد مرقومه بندگان حضرت حجه السلام والمسلمین سرکار حاجی میرزا حسن آشتیانی مدظله العالی است که به سرکار عماد السلام و حجة المسلمین آقا سید عبدالله بهبهانی مدظله اتصال داشته‌اند. عرض میشود امید که وجود شریف جناب عالی در کمال استقامت بوده باشد. در باب عمل عروس جناب مستطاب شریعت مآب عمدة المتکلمین حاج شیخ محمد سلطان المحققین سلمه الله تعالی که جنابعالی نوشته بر حقانیت این طرف داده بودید، از قرار مذکور این اوقات تردیدی برای جناب عالی در این قضیه حاصل شده. چون فعلاً هم دختر در طهران است و هم پسر جناب حاجی شیخ و هم وکیل طرف مقابل، طرفین را یک مجلس احضار فرمایید؛ تحقیقات لازمه را بفرمایید. هر طور که بر جنابعالی معلوم و محققین گردید، مرقوم دارید که رفع بعضی مذاکرات شود و به جهت بعضی اشخاص مغرض، مزاحمت به جناب مستطاب حاج سلطان المحققین ننمایند (زیاده زحمت ندارد، ایام مستدام باد).

سواد حکم مطاع ملازمین، حجة السلام سرکار آقا سید عبدالله مدظله العالی است که به طریق ترافع عز صدور یافته

بمنه تعالی

بلی، امر از قرار مذکور است و تمام مرقومه به املاء احقر انام مرقوم شده است و بنا بر مرقومات مذکور و غوررسیهای لاحقه مخدرها، صبیبة مرحوم آقا محمد خلیل زوجه و حلیله عالیجناب آقا شیخ محمدعلی سلمه الله است و برای تهافت معاذیر صادره از جناب شریعت مآب آقای آقا محمد ابراهیم سلمه الله رکون به شهادت آن جناب وجه شرعی ندارد. و چون سخن جناب شریعت مآب آقای آقا محمد جواد سلمه الله که از روی ولایت صادر است، نمی توان محل اعتماد در مقابل دعوای ثابتة قرار داد، بناء علیه آن دعوای عقد سابق بی‌مشتبه شرعی ... و عقد واقع آقای جناب آقا الشیخ محمدعلی سلمه الله معارض و مزاحمتی ندارد «فی سقوط تلك الدعوی و کون المرثة فعلاً حلیلة لجناب الشیخ محمدعلی قدحکمت و قضیت و الله تعالی خیر الحاکمین بین عباده».

حررها الجانی عبدالله الموسوی البهبهانی، لیلہ ثالثه عشر محرم ۱۳۱۹. محل مهر حجه السلام سرکار آقا سید عبدالله مدظله مطابق للاصل و موافق له.

مخفی و مستور نماند آنکه در شهر شوال المکرم سنه ۱۳۱۸ هجری بر طبق نوشته جناب مستطاب شریعتمدار، آقای آقا محمد ابراهیم اصفهانی سلمه الله و سایر نوشته‌جات و استناد جناب مستطاب کروی نصاب عماد المحدثین و فخر الواعظین حاج شیخ محمد سلطان المحققین دام غُلاه بر زوجیت مخدره ربابه خانم دامت شوکتها، صبیبة مرحوم آقا محمد خلیل قزوینی - رحمه الله علیه - بر جناب محامد آداب آقا شیخ

محمدعلی، ولد جناب سلطان المحققین را به لسان حکومت شرعی نوشته بودم و به غوررسی و قراین خارجه و داخله که از مدارک صحیح به دست آورده، حکمی از خادم شرع صادر شد که مخدرا تزویجاً محکوم است به زوجیت آقا شیخ محمدعلی و بعد ذالک جناب آقا ملا احمد سلمه‌الله از اصفهان وارد شده و سجّلات چند از بعضی اهل علم آن سامان ابراز و ارائه داد که مدارک آنها جمیعاً حاکی از شهادت علمی و حدسی بوده بر تحقق عقد ادعائی جناب مستطاب شریعتمدار آقا محمدجواد قزوینی برای فرزند هشت ساله خود. ملا احمد مذکور اظهار داشت که امشب که شب دوم ذی الحجه الحرام است، سلطان المحققین خیال زفاف فرزند خود را دارند و به بعضی اظهارات ... به جهت خادم شرع فراهم کرد به واسطه اینکه امر فروج از اهم امور شرعی است محض احراز واقع و رفع شبهه و ریبه در این باب چند رقیمه به جناب سلطان المحققین نوشتم که در امر زفاف فعلاً اقدام ننمایند تا ثانیاً دقت نظر شود دادم به ملا احمد که بفرستد. بعد معلوم شد قبل از این که به جناب سلطان برسد، یکی دو فقره سواد به مهر بعضی از آقایان استنساخ کرده با اینکه محتوی و مشتمل بر تبدیل تکلیف نبوده، به اصفهان فرستاده‌اند. بالجمله بعد از ملاحظه نوشتجات طرفین و امعان نظر در اسناد جانبین و شهادت شهود بعضی از موثقین و عابریں از علماء اصفهان که همگی از ... مدعی بر خصم جناب سلطان بوده و نوشته جناب آقا محمد ابراهیم که به دلالت واضحه دلالت بر عدم وقوع عقد سابق ادعایی آقا محمدجواد داشت، رفع شک و ریب از خادم شرع شریف گردید، بلکه از معلومات جمله از علما و ثقات اهل فضل و تقوی تمضیح گشت که خود جناب شریعت مآب، جناب آقای آقا محمد جواد و آقای آقا محمد ابراهیم سلمه‌الله، مکرر اظهار عدم رشد صبیبه مرحوم آقا محمد خلیل را در زمان وقوع عقد ادعایی نمودند؛ همچنین از اختلاف اظهاراتی که جناب آقای آقا محمد ابراهیم سلمه‌الله در جواب از مأخذ و بیان وجه توفیق بین ادعای سبق عقد برای فرزند آقای آقا محمد جواد و تبریک این عقد واقع برای آقا شیخ محمدعلی نموده بودند که تارة متعذر به استهزاء، و اُخری متعذر با آنکه از روی اخافه صادر شده بوده است و ثالثاً با اینکه تویبناً صادر شده است، معلوم و محقق شد که آن عقد ادعایی مأخذ صحیح نداشته و هر کس هم که اظهار معلوماتی کرده است، فقط مستند به اظهارات شخص این دو نفر برادر محترم بوده است، والاّ مسلّم است که عقد ادعایی مرقوم، شاهدی دیگر نداشته است. بناء علی تلک المراتب به اعلی درجه ثبوت و وضوح شرعی پیوست که فعلاً مخدرا مستوره محکوم بر زوجیت آقا شیخ محمدعلی است و دعوای عقد سابق چون مستند صالح الاعتمادی نداشته است، رکون به آن مخالف قانون شریعت مقدسه نبویه و سبب سخط و غضب خداوند قادر قاهر و صاحب شریعت طاهره است. بناء علیه دعوای آقای محمد جواد در شرع مسموع نخواهد بود. «و لقد حکمت و قضیت بما یصح به الحکم» جری فی شهر محرم الحرام ۱۳۱۹. محل مهر مبارک حجه‌الاسلام آقای آقا سیدعبدالله مدظله است.

سواد سئوالی است که بندگان حضرت اشرف اکرم اتابک اعظم دام اقباله العالی - از ملازمین حجه السلام والمسلمین سرکار آقا سید علی اکبر مدظله عالی نموده اند.

عرض می شود در باب ربابه، صبیّه مرحوم آقا محمد خلیل اصفهانی، که جناب مستطاب حاجی شیخ محمد سلطان المحققین آن مخدرا را عروس خود داشته و در خانه ایشان است و از طرف دیگر وکیل

جناب آقا محمد جواد اصفهانی پاره نوشتجات ابراز کرده که آن مخدرها سابقاً به عقد پسر صغیر آقا محمد جواد در آورده اند، از قرار مذکور طرفین مدتی است خدمت جنابعالی به ترافع حاضر شدند و تمام مطالب خود را عرضه داشته‌اند؛ اسانید و نوشتجات طرفین به نظر مبارک رسیده است. خواهش دارم آنچه در این مسئله بر جناب عالی معلوم شده، مرقوم فرمایید که رفع غائله گردیده و تکلیف معلوم شود؛ اگر چه فتنه آقا محمد جواد در طهران و اصفهان، محض طمع و باطل است و حق به جناب حاجی شیخ محمد است. ایام سعادت مستدام باد.

سواد جوابی است که بندگان شریعت مآب حجه الاسلام آقا سید علی اکبر مدظله به خدمت حضرت مستطاب اجل افخم اتابک اعظم - دامت عظمته - مرقوم داشته‌اند

معروض می دارد داعی نظر به نوشتجات بعضی از علما دارالخلافة ابدای بنای مراجعه نداشتم و بر خود حتم نموده که چیزی ننویسم و نگویم و خود را بعضی سخنان و اتهامات قرار ندهم و ... نشوم از برای کراهت محب و میغض، لکن چون فرمایش اتابک اعظم شده، جمله از اموری که به نظر حقیر رسیده است، عرض می‌نمایم که عروس جناب سلطان المحققین را و قصه او را ابدأ مسبوق نبوده، بومی به عزم عیادت از جناب معظم رفته، صبیبه مرحوم آقا محمدخلیل ربابه خانم در اثناء مجلس حاضر شده و بعد از تعریف و تشخیص، اقرار و اعتراف نمود که به نکاح شیخ محمد علی ولد جناب معظم الیه در آمده و انکار صرف بعد از به عرض بر او از غیر این مطلب نمود و بر حسب میزان شرع مطاع محکوم به زوجیت او می باشد. تا خلافش به میزان صحیح بر حاکم مطاع معلوم و محقق شود؛ مضافاً به اینکه مرقومه از جناب مستطاب آقا محمد ابراهیم - سلمه الله - ارائه نمودند که در مقام تبریک و سفارش و جواب، رقعۀ عمه زاده خودش که خالۀ عروس می باشد و زوجۀ سلطان المحققین که مشتمل بوده بر تبریکات و سفارشات و اداء حقوق عروس مشارالیه که ابدأ و اصلاً احتمال این که مشارالیهها زوجۀ غیر آقا شیخ محمدعلی در آمده باشد یا احتمال نکاح غیر بوده باشد در او نبوده، جز احتمال اینکه رقعۀ از او نباشد و بعد را مخالف و موالفها تماماً تصدیق نمودند که رقعۀ از ایشان است؛ مضافاً به این که رقعۀ دیگر از ایشان دیده شد که تصریح شده بود که رقعۀ از ایشان است و جناب مستطاب آقا شیخ احمد جوهری که وکیل آقا محمد جواد می باشد، مکرر در نزد داعی آمد و حقیر امتناع از ملاحظه نوشتجات ایشان داشته تا اینکه به بعضی از اوامر مطاعه مقتضی شد که نوشتجات، که در ید و کیل می باشد ملاحظه شود. از جمله نوشتجات استشهاد نامه‌ای بود که سجالات کثیره مشتمل بر خواتیم متکثره بوده و جمیع آن سجالات مبتنی بر شهادت حدسی بود که از فرمایشات جناب آقا محمد ابراهیم و آقا محمد جواد حاصل شد بوده و اجماعاً شهادت ... که از حدس حادث شود، در شریعت مطهره معتبر نمی باشد و از روی آن نمی توان حکم نمود و مرقومه از جناب مستطاب ملاذ الاسلام و المسلمین حاجی سید اسماعیل صدر - سلمه الله تعالی - ارائه شد که جز به تمجید طایفه حاجی غفوری که نسبت مظاهره با حضرات دارند و موعظه و نصایح، امر دیگر از او داعی نفهمیده؛ عمده نوشته جات و کیل مدعی که آقا محمد جواد باشد، همین است. غرض امری بر حقیر معلوم نشد از نوشتجات که در ید و کیل آقا محمد جواد است. مضافاً با اینکه ملاذ المسلمین حجه الاسلام حاجی میرزا

نگاهی به یک سند شرعی خانوادگی در اصفهان... / محمود نظری - میثم احمدی کاشانی

محمد حسن - سلمه الله - تعالی که شخص امین را در نزد حقیر فرستادند که ایشان مشارالیه را الیوم زوجه آقا شیخ محمدعلی ولد سلطان المحققین می دانند قبل از صدور حکم از بعضی علمای دارالخلافة، چون جواب مرقومه حضرت اتابک اعظم لازم بود، این مقدار عرض شد. زیاده از این تکلیف نمی فرمایند که امر بر داعی مشکل می شود.

رابع عشر محرم الحرام ۱۳۱۹

محل مهر مبارک حجه الاسلام سرکار آقا سید علی اکبر مدظله است

سواد حکم حجه الاسلام و المسلمین سرکار آقا سید علی اکبر و سرکار الحاج میرزا محمدحسن - مدظلهما العالی - است

بسم الله تعالی

نعم مضافاً بر اینکه جناب حجة الاسلام حاجی میرزا حسن - سلمه الله تعالی - اولاً دوامین از داعی خواسته و حکم قطعی فرموده که مسماة مسطورها زوجه آقا شیخ محمدعلی می باشد و ثانیاً حضوراً بعد از ملاقات به زوجیت فرموده قبل از صدور حکم از احدی از علماء دارالخلافة داعی نیز به استدعای بعضی از مؤمنین نوشتهجات طرفین را ملاحظه نموده و در نوشتهجات وکیل آقا محمدجواد، ملاً احمد، ابدأ چیزی که مورث وهم و شک شود، به صدق کلام وکیل مدعی دیده نشده و نوشته جات جناب سلطان المحققین را ملاحظه نموده؛ از نوشته تبریک و غیره و ربابه خانم را در مجلس خواسته، با او مکالمات نموده، بر داعی محرز و محقق است که مسماة مزبورها محکوم به زوجیت آقا شیخ محمدعلی می باشد و شبهه ای در این نیست. و لقد حکمتُ به و کان تحریر ذلك فی ربيع المولود ۱۳۱۹.

محل مهر مبارک سرکار حجه الاسلام آقا سید علی اکبر - مدظله العالی - است

بسم الله الرحمن الرحيم

امر از قراری است که جناب مستطاب، کھف الارامل و الایتام، غوث الاسلام، غیث المسلمین، آقای آقا سید علی اکبر دام بقائه، مرقوم و حکم نموده اند و لازم است عمل شود. حررها الاحقر.

محل مهر مبارک حجة الاسلام سرکار میرزا - مدظله العالی - است

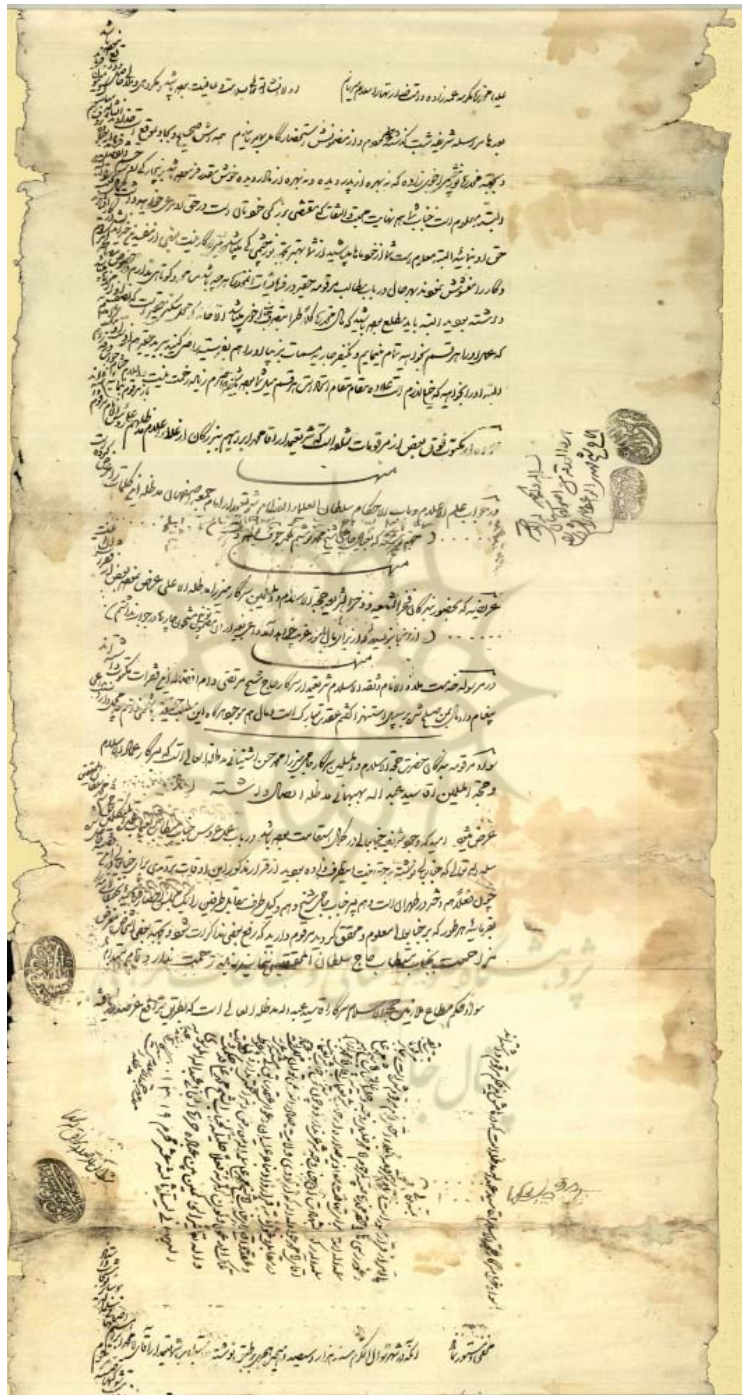
به شرف عرض مقدس حضرت مستطاب حجة الاسلام - مدظله العالی - می رساند در باب ربابه خانم زوجه دعاگوزاده شیخ محمدعلی که ملاً احمد از طرف جناب آقا محمدجواد، مدعی است که این مخدرها را قبل از عقد به داعی زاده، به عقد پسر صغیر آقا محمد جواد در آورده اند و این مسأله مدتی در محضر مبارک مطرح و ملاً احمد به کرات با تمام اسناد به حضور مبارک شرفیاب و جداً استدعای رسیدگی نموده و حضرت تعالی در ... مجالس با حضور طرفین به دقت رسیدگی فرموده و مکرر مخدرها ربابه خانم را احضار فرمودید و از او تحقیقات فرموده، بعد تصریحاً حکم ... دعوی آقا محمدجواد و اینکه آن مخدره الیوم محکوم

نگاهی به یک سند شرعی خانوادگی در اصفهان... / محمود نظری - میثم احمدی کاشانی

به زوجیت داعی زاده است، فرموده حال این مسأله در خدمت به شخص محترم و مقام عالی مطرح شده، ملاً احمد انکار بلیغ کرد از شرفیابی در محضر مبارک؛ یعنی عرض کرد که در آن محضر حاضر نشدم. استدعا دارم حضور ملاً احمد را در خدمت ذی شرافت از برای تحقیق این مسأله که مکرر شرفیاب شد و جداً استدعای رسیدگی کرده، و بعد حقانیت دعاگو زاده و بطلان دعوی آقا محمدجواد بر حضرت تعالی معلوم و مسلّم گردید معلومات خاطر مبارک را بعد از حضور ملاً احمد و تحقیقات مرقوم فرموده که عندالحاجه حجت بوده باشد. امر، امر مبارک است.

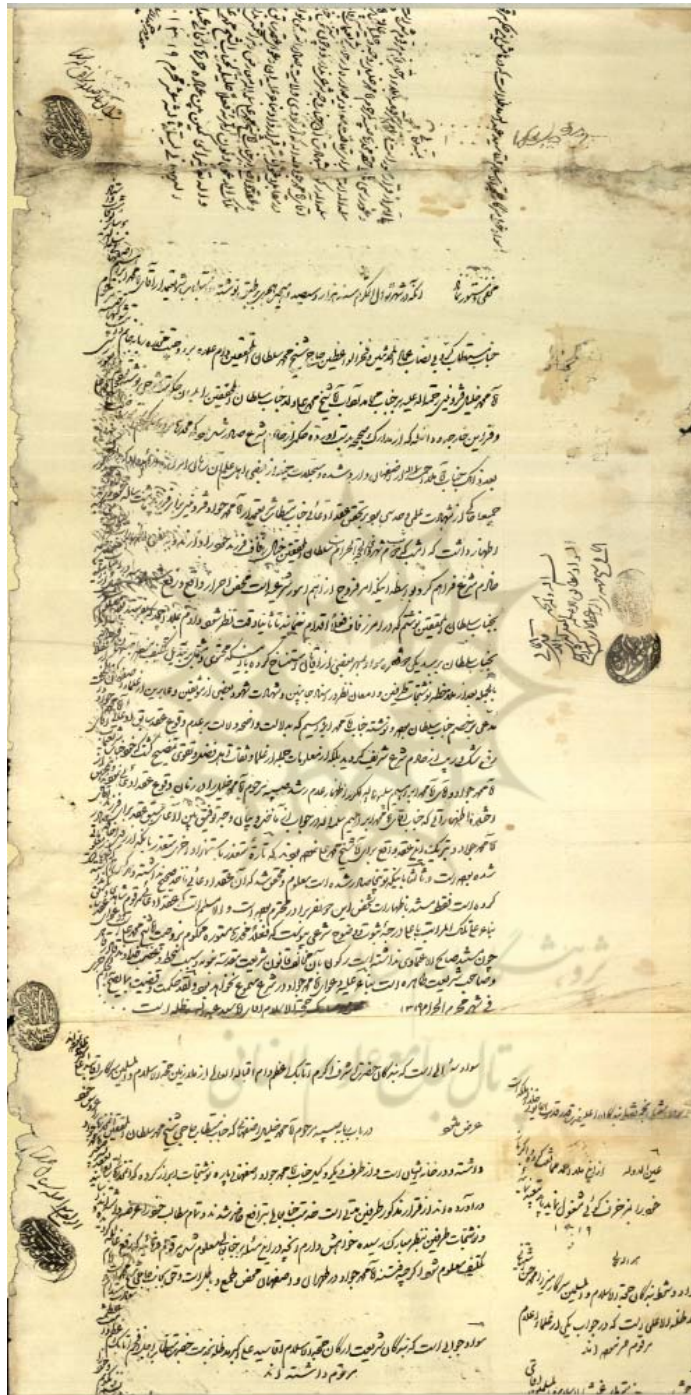


پیام بهارستان / ۲۰، ۳، ۱۱ ش / ۱۱ بهار ۱۳۹۰

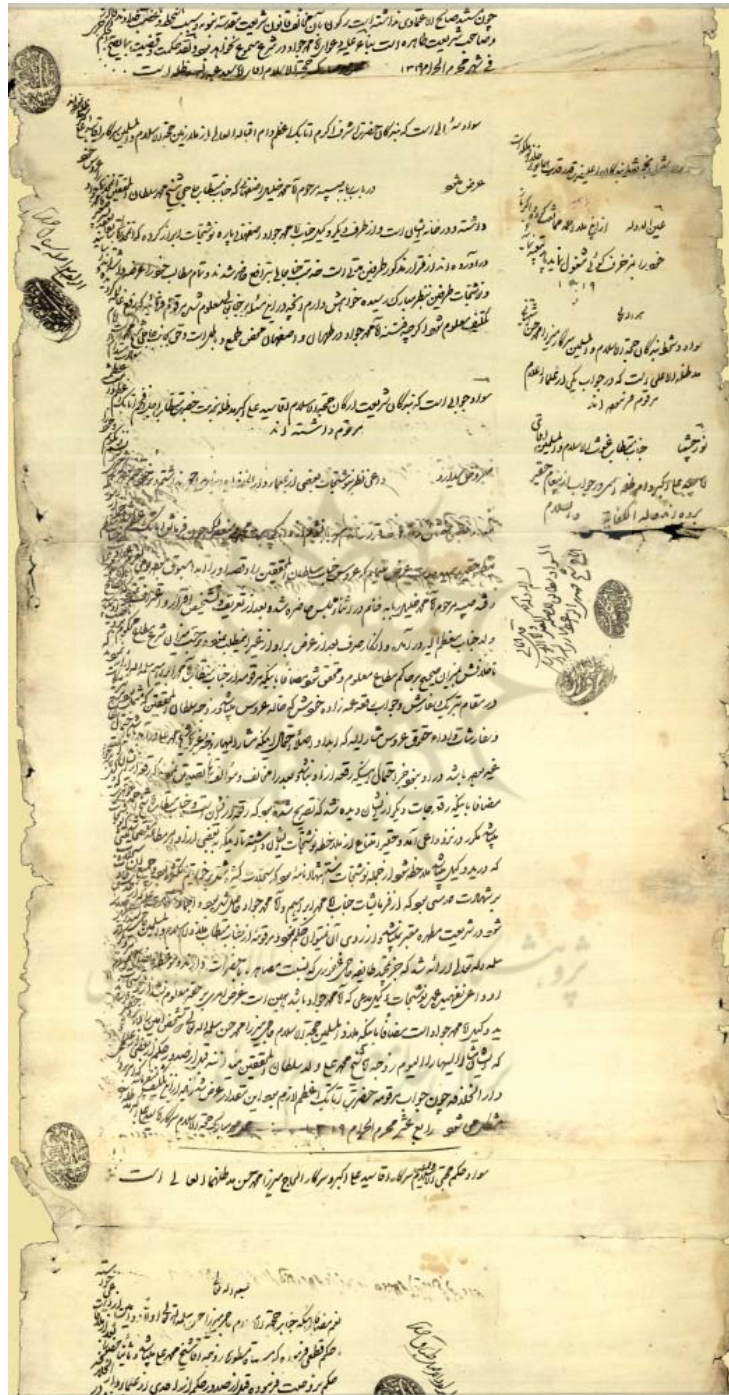


پیام بهارستان / ۳، ش ۱۱ / بهار ۱۳۹۰

نگاهی به یک سند شرعی خانوادگی در اصفهان... / محمود نظری - میثم احمدی کاشانی

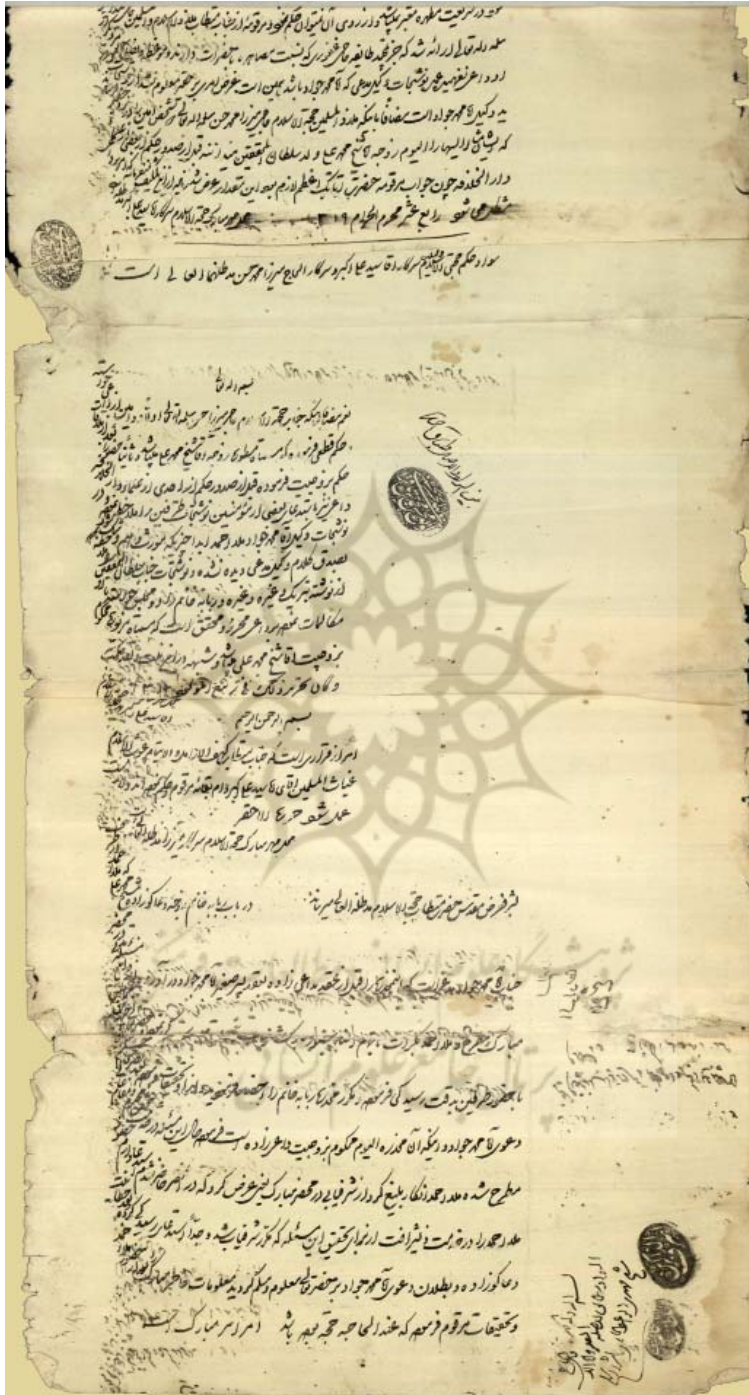


پیام بهارستان / ۲۳، ۳، ش ۱۱ / بهار ۱۳۹۰



پیام بهارستان / ۳، ۲، ۳، ش ۱۱ / بهار ۱۳۹۰

نگاهی به یک سند شرعی خانوادگی در اصفهان... / محمود نظری - میثم احمدی کاشانی



پیام بهارستان / ۲۰، ۳، ش ۱۱ / بهار ۱۳۹۰